

مافیای قدرت و تشدید بحران اکولوژیستی

اخبار و گزارشات پیرامون تشدید و بسط بحران زیست محیطی شامل "کمبود آب"، "خشکسالی"، "نابودی تالابها"، "تخریب کمی و کیفی جنگلها"، "آلودگی هوا" و "تنزل سطح سفره های آب زیرزمینی"، طی یکسال اخیر تا بدان حد ناگوارند که ایران، از نظر شاخص های حفاظت محیط زیست با کسب رتبه ۱۳۲ در بین ۱۴۶ کشور جهان، در رده های انتهایی جدول جهانی قرار گرفته است. این میزان، مبین سقوط ۶۰ پله ای کشور تحت لوای حاکمیت استبداد، در حوزه زیست محیطی می باشد. ورود رسوبات، فاضلاب و سموم کشاورزی سبب کاهش عمق آب تالاب بین المللی انزلی شده است. این در حالیست که تالابها و اکوسیستم های آبی هر کشوری ارزشهای فراوانی از جنبه زیست محیطی دارند و جزو سرمایه های ملی بشمار می آیند. آبخوانهای استان همدان به علت برداشت بی رویه از منابع آبهای زیرزمینی دچار مشکل حاد شده اند. در روند وضعیت بحرانی محیط زیست، کمبود آب کشاورزی و شرب از سوی خبرگزاری مهر، ۲۵ آذر ۱۳۹۳، مشکل عمده روستاهای لرستان گزارش شده است. مدیر پروژه حفاظت از زاگرس مرکزی آشکار ساخت که در چهارسال گذشته بیش از یک میلیون هکتار از جنگل های زاگرس تخریب شده اند. مهمترین عامل، زمین خواری اعلام شده است. بمنظور ترمیم و احیای مجدد این جنگل ها سالانه مبلغی معادل ۲۵۰ میلیارد

تومان برای یک دوره پنج ساله مورد نیاز است که در سال جاری، تنها ۷۵ میلیارد تومان بودجه به آن تخصیص یافته است. شایان ذکر است که درختان بلوط جنگلهای زاگرس نقش بسیار ارزنده ای در ذخیره و حفظ آب با توجه به بحران کمبود آب و از بین رفتن آبهای زیرزمینی، دارند. این درختان در برخی مناطق هفتاد برابر سدها، آب ذخیره کرده و مقدار زیادی از ریزگردها را در خود رسوب میدهند. اعراض از پرداخت مبلغ مورد نیاز جهت احیای جنگل های زاگرس از سوی رژیم صورت می گیرد که بیشترین سرمایه ملی را صرف سرکوب در داخل و صدور تروریسم در خارج می نماید. بودجه دستگاه سرکوبی رژیم در طول سی سال اخیر بطور نجومی رشد کرده است. به گزارش رادیو فردا، مورخ ۳۰ آذر ۹۳، بودجه نظامی سال ۱۳۹۴، دولت یازدهم، از میزان ۲۱ هزار میلیارد تومان سال قبل به ۲۸ هزار میلیارد تومان، حدود ۳۳ درصد، و بودجه وزارت اطلاعات به ۲،۲۸ هزار میلیارد تومان، ارتقاء یافته است. در سال ۲۰۱۴ میلادی، زنگ هشدار جیره بندی آب قابل شرب، در پی وخامت "کمبود آب" به مثابه یکی از مهمترین و نگران کننده ترین بحران زیست محیطی دیرینه، بصدا درآمد. ایران بطور طبیعی در زمره مناطق عظیم کم آب جهان است که از صحرای آفریقا تا صحرای چین دامن گسترده است. لذا، بهره گیری از فن آوری مدرن و نوین و دانش دوران جهت حفظ آب بعنوان پُرارزش ترین منبع زمینی و یکی از نخستین نیازهای انسان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با این وجود، مناسبات مبتنی بر تقسیم و توزیع نابرابر ثروت و قدرت به موازات استبداد بی بند و بار و نامحدود فردی در قالب نظامهای سلطنتی و ولایت فقیه ای، پیوسته مانع عمده ای بر سر راه تحقق این امر بوده که هنوز ادامه دارد. "کمبود آب"

برای جوامع انسانی، موجبات گسترش "فقر"، "بیکاری"، "تضعیف بنیه تولیدی" و "شیوع بیماریهای خطرناک، مزمن و صعب‌العلاج و مرگ و میر شهروندان و دیگر گونه‌های جاندار" را فراهم می‌سازد. استبداد حاکم با وجود افزایش پنجاه درصدی بیماری سرطان بر پایه آمارهای منتشره از سوی وزارت بهداشت و درمان مندرج در سایت خبرگزاری هرانا، مورخ ۶ آذر ۱۳۹۳، با انتشار بخشنامه‌ای از انتشار هرگونه آماری درباره قربانیان محیط زیست توسط سازمانهای دولتی، جلوگیری بعمل می‌آورد.

تمامی دولتهای رژیم بعلاوه دولت روحانی، با تاکید بر اجرای سیاست تعدیل اقتصادی بر اساس الگوی اقتصاد بازار آزاد و انحصار منابع طبیعی و ثروت ملی در دست کانون قدرت و الیگارش‌های اقتصادی، بدون توجه به معضل مذکور، طبیعت را به میدان تاخت و تاز آقازاده‌های وابسته به بیت رهبری و باندهای حکومتی، مبدل ساخته‌اند. سلطه و استیلای ادواری سپاه پاسداران بر شاه‌رگ حیات اقتصادی و رشد‌تزایدی بنیادهای وابسته به آن، نظیر "قرارگاه خاتم‌الانبیاء"، "آستان قدس رضوی" و شرکتهای وابسته به آنها، در قالب بنیادهای خیریه و مسکن‌سازی و جاده‌سازی و پیشبرد و توسعه پروژه‌های عظیم، اما غیرکارشناسانه سدسازی و جاده‌سازی‌ها جهت غارت و چپاول افزونتر ثروت ملی، منابع طبیعی و زیرزمینی ارزنده و کمیابی مانند آب، نقش کلان و ویران‌کننده‌ای در ایجاد وضعیت ناگوار اکولوژیستی میهنمان ایفاء می‌کند. برخی از اینگونه پروژه‌های اجرایی فاقد توجه و رعایت موازین زیست‌محیطی بشرح زیرند:

آزاد راه خرم‌آباد - پل زال

یکی از پروژه های سپاه پاسداران می باشد که بدلیل انفجار و احداث بخشی از مسیر آزاد راه مذکور بر روی چشمه های سراب سبب خشک شدن کامل چشمه های مذکور شده و بیکاری و مهاجرت اجباری مردم به شهرها را بهمراه آورده است. آب سراب معروف به قلعه نصیر از دیرباز ۱۵۰ هکتار اراضی زراعی و باغی را مشروب می ساخت که اکنون بر اثر عملیات به تن ریزی و خاکبرداری این آزاد راه، قطع و زمینهای منطقه تبدیل به اراضی دیم شده اند. به گزارش دُر نیوز مورخ ۲۸ اردیبهشت ۹۳، دو روستای خلیل اکبر و قلعه نصیر با ۸۰ خانوار و جمعیت یکهزار و دوویست نفری بدلیل کمبود آب، فاقد بهداشت شده اند.

سدسازی غیراصولی و طرح امنیتی موسوم به طرح دایک سپاه پاسداران

"هور العظیم" یکی از مهمترین تالاب های خاورمیانه است که به واسطه سدسازی بر روی رودخانه های کرخه و دویریج و میمه و همچنین طرح امنیتی سپاه پاسداران موسوم به طرح دایک و حفر بیش از ۱۰۰ حلقه چاه نفت و تاسیس دکل های نفتی و ساخت کیلومترها جاده توسط شرکت نفت، خشک شده و سبب ساز وقوع طوفانهای شن در اهواز گشته است. شایان توجه است که تعداد تالاب هایی که بدلیل ورود پساب ها و فاضلاب ها و آلودگی های نفتی در معرض خشک شدن یا نابودی قرار گرفته و بدین جهت در لیست سیاه مونترال قرار دارند، روزانه در حال افزایشند. بیشترین پروژه سدسازی در کشور توسط نهادهای انگلی وابسته به سپاه پاسداران جهت تجارت و غارت ثروت ملی بدون برخورداری از اسلوب های صحیح و زیست محیطی صورت

می‌گیرد. این در حالیست که به گزارش رادیو فرانسه، مورخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴، به نقل از یک کارشناس ایرانی، احداث سد های غیر استاندارد، مهمترین عامل بروز شرایط ناهنجار تالاب ها و دریاچه ها، در ایران به حد اشباع رسیده است.

پروژه بهشت آباد

این پروژه علیرغم هشدارها و مخالفت های فعالان محیط زیست در دوران ریاست جمهوری خاتمی تهیه و در تابستان سال ۱۳۹۰ به وسیله دولت احمدی نژاد اجرایی گشت. اجرای پروژه مذکور با اعتباری بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان به قرارگاه "خاتم الانبیاء" وابسته به سپاه پاسداران سپرده شد. به گزارش زیست نیوز مورخ ۲۸ مهر ۱۳۹۳، طرح انتقال آب تونل بهشت آباد و گلاب بر مبنای اصول زیست محیطی نیست و کارون را به سرنوشت زاینده رود تبدیل می سازد. بر مبنای یافته های سازمان بهداشت جهانی، شهر اهواز از آلوده ترین شهرها در جهان شناخته می شود که روزانه بسیاری از مردم بجهت مشکلات تنفسی ناشی از بارانهای اسیدی به بیمارستان می روند. دولت حسن روحانی نیز از سوی شرکت کنندگان در اعتراضات اخیر، در خصوص تالاب هورالعظیم و کارون به نادیده گرفتن خواست مردم خوزستان، متهم شده است.

غصب زمین و تخریب فضای سبز توسط سپاه پاسداران

تصرف زمین های حاشیه زاینده رود و تخریب فضای سبز با هدف خانه سازی، از بارزترین نمونه های عملکرد قلدنرمنشانه سپاه پاسداران

می باشد. به گزارش رادیو فرانسه، ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴، سپاه پاسداران بخشی از ساحل زاینده رود را به زور به تصرف خود در آورده است. اعتراض کنشگران اجتماعی و فعالان زیست محیطی به نهادهای قانونی راجع به تصرف زمین ها و عرصه های ملی توسط نهادهای مختلف بخصوص نظامی، تا کنون ره بجایی نبرده است.

طرح پل میانگذر و خشکی دریاچه ارومیه

امتیاز کامل طرح ساخت چهل میانگذر بر طول ۱۷۰۹ متر که ۱۲۷۶ متر آن در داخل ارومیه اجرا شده و حدود ۳۸۵ متر آن در دو طرف پل های اتصال است، در زمان احمدی نژاد به قرارگاه خاتم الانبیاء سپرده شد. نابسامانی و مرگ دریاچه مذکور، براساس نظرات کارشناسان زمین شناسی دریایی بطور عمده از سدسازی های بی رویه و غیر استاندارد در مسیر رودخانه و ذخیره آب رودها در پشت سدها در شرف تکوین است. در حال حاضر بیش از نود درصد از دریاچه مذکور خشک شده است که نه تنها، هیچگونه راهکار علمی و عملی و جدی از سوی دولتهای رژیم از جمله دولت موسوم به "تدبیر و امید" ارایه نشده، بلکه اعتراضات مدافعان محیط زیست و دیگر معترضان، با تهاجم خشن نیروی سرکوبی رژیم روبرو گشته است. یک نمونه سرکوب آشکار، تهاجم نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها به زنجیره انسانی بیش از پانصد نفر از فعالان محیط زیست اصفهان در محوطه خشک شده زاینده رود بود که به گزارش "هرانا"، مورخ ۴ خرداد ماه ۱۳۹۳، با ضرب و شتم فعالان و بازداشت برخی حاضران به آن پایان داده شد. ماموران هنگام حمله به اجتماع کنندگان، آنها را "ضد انقلاب" و "منافق" خطاب نموده است. یکی

از نیروهای انتظامی حاضر گفته است، "سازماندهی این جمعیت برای ایجاد آشوب و ناامنی و هدف این قشر، سیاسی و نه حل مشکلات بوده است که ما موظفیم با اجتماع بدون مجوز برخورد کنیم"

خاک برداری از منطقه مرگور ارومیه

مطابق گزارشی مندرج در نیسان نیوز در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۳، شرکت پیمانکاران آذر معدن تیریز که مستقیماً وابسته به سپاه پاسداران است، با کسب مجوز از اداره محیط زیست، در منطقه مرگور ارومیه اقدام به خاک برداری برای یافتن طلا کرده اند. اعتراض شوراهای روستاها به تخریب محیط زیست نیز، بی پاسخ مانده است. این گزارش اضافه می کند؛ "سالانه در مناطق مختلف شرق کردستان به بهانه‌های مختلف، اقداماتی از سوی نیروهای مختلف حکومتی ایران جهت برهم زدن طبیعت، انجام می‌گیرد".

نابودی دریاچه پریشان، خشک شدن دریاچه ارومیه، از سر گرفته شدن احداث کنارگذر تالاب انزلی، عبور جاده از جنگل ابر و جنگل ارسباران، احداث جاده در جنگل گلستان، خشک شدن زاینده رود و بی آبی کارون، برنامه فروش اشوراده و احداث پتروشیمی در گلستان و گیلان، تنها نمونه هایی از معضلات زیست محیطی می باشند که سالها و دهه هاست بدون رسیدگی جدی روی میز دولتهای نهم، دهم و همچنین یازدهم نظام، قرار دارد.

انرژی هسته ای و تبعات خطرناک زیست محیطی آن

نظر به سالها پافشاری رژیم و اصرار جهت دستیابی به انرژی هسته ای به بهانه تولید برق بر پایه سیاستی مبنی بر شارلاتانیسم سیاسی، پرده برداری از

خطرات زیست محیطی تولید برق با استفاده از انرژی هسته ای به ویژه در رابطه با بحران فقدان آب، ضروری به نظر می رسد.

تولید برق از انرژی هسته ای به آب فراوانی نیازمند است بطوریکه نیروگاه های هسته ای می بایست در آب غوطه ور باشند. بر اساس تحقیقات علمی پیرامون انرژی هسته ای و فقدان آب، مصرف آب برای یک نیروگاه هسته ای ۲۰ تا ۳۰ برابر بیشتر از نیروگاه های غیر هسته ای است. مصرف آب برای تولید برق با استفاده از منابع انرژی تجدید شدنی بعنوان مثال باد برابر با ۰,۰۱ لیتر در ساعت، از طریق انرژی خورشیدی برابر با ۰,۲۶ لیتر در ساعت، از طریق انرژی سوخت فسیلی برابر با ۴,۵ لیتر در ساعت و سرانجام از طریق انرژی هسته ای برابر با ۵,۵ لیتر در ساعت می باشد. تمام مراحل پروسه بغرنج تهیه انرژی هسته ای شامل، حفر اورانیوم، تصفیه، غنی سازی و تولید پلوتونیوم، ایزوتوپ های رادیواکتیوی تولید می کند و منطقه اطراف را آلوده می سازد. آبهای زیرزمینی، هوا، زمین، گیاهان و همه تجهیزات و در نتیجه انسان و همه اکوسیستم به صورت مضر و ژرفی تحت تاثیر قرار می گیرند. برخی از این ایزوتوپ ها، طول عمر زیادی دارند و طی صدها هزار سال سمی باقی می مانند. زباله ها در هسته راکتورها، در نتیجه آلودگی رادیواکتیو و همچنین به عنوان بازتولید حفر، تصفیه و غنی سازی اورانیوم بوجود می آیند. یک راکتور سالانه بیست تا سی تن زباله هسته ای تولید می کند. تا کنون، هیچ راه مطمئنی برای نگهداری زباله های مذکور، که تا زمان محو طبیعی خود بصورت بسیار خطرناکی رادیواکتیو می مانند، وجود ندارد. میزان محو یک ایزوتوپ رادیواکتیو نیمه عمر آن نامیده می شود، به معنای مدت زمانی است که نیمی از مقدار اولیه اتم محو می گردد. نیمه عمر

پلوتونیوم-۲۳۹ به عنوان یک ترکیب مهلک از زباله هسته ای، بیست و چهار هزار سال است. زندگی خطرناک یک عنصر رادیواکتیو به معنای مدت زمانی که طول می کشد تا عنصر ساقط شود و مطمئن در نظر گرفته شود دست کم ده نیمه عمر است. بدین ترتیب، پلوتونیم-۲۳۹ دست کم به مدت دویست و چهل هزار سال خطرناک باقی می ماند. انتقال این زباله های هسته ای با کامیون و قطار بسیار خطرناک می باشد. با وجود اینکه یک سری کشورها زباله ها را دوباره وارد چرخه انرژی می کنند تا انرژی بیشتری تولید کنند، این عمل زباله های هسته ای بیشتری به وجود می آورد. علاوه بر این، خطر تکثیر بمب را تشدید می کند. زیرا، از مواد مورد تجدید فرایند قرار گرفته، میتوان در ساختن بمب اتم، نیز استفاده کرد. لذا، انرژی هسته ای نه تنها به عنوان یک انرژی جایگزین سوخت فسیلی مساله ای از بحران زیست محیطی حل نخواهد کرد. بلکه، آنرا تشدید می کند. این امر، نه تنها برای کشورهای پیشرفته صنعتی فاجعه بار بوده بلکه در مورد کشور زلزله خیزی همچون ایران با ساختار دولتی به غایت عقب افتاده گریبانگیر بحرانهای ساختاری اقتصادی، رژیمی که تاکنون هیچ ارزشی برای محیط زیست قایل نبوده، بی تردید، برخورداری از نیروگاه های هسته ای، بحران زیست محیطی اش را وارد فاز شدیدتری خواهد کرد و جان میلیون ها انسان را نه تنها در داخل کشور بلکه در منطقه را به خطر خواهد انداخت. مضاف بر این، ذخایر اورانیم ایران بسیار محدود بوده و برای مصرف نیروگاهی همچون بوشهر با مصرف بیش از ۲۰۰ تن در سال، ذخایر کشف شده و احتمالی فقط برای ۷ سال آتی این نیروگاه کفایت دارد. همچنین راندمان نیروگاههای برق در ایران ۳۷٪ می باشد. در صورتیکه بازده نیروگاههای گازی امروزی (گاز

و بخار باهم) حداقل ۵۵٪ است. اگر ايران نيروگاههاي خود را مدرن کند، مي تواند توليد برق را به ۵۵۰۰۰ مگاوات افزايش دهد. اين مقدار ۱۸۰۰۰ مگاوات بيش از توليد کنونی است که معادل ۲۰ نيروگاه هسته ای شبیه نيروگاه بوشهر می باشد. هزینه مدرنيزه کردن تمام نيروگاههاي موجود بيش از شش ميليارد دلار نخواهد بود، در صورتي که هزینه ساخت نيروگاههاي هسته ای که همين مقدار برق توليد کنند سی ميليارد است. بنا بر اين، توليد برق از طريق انرژی هسته ای از نظر اقتصادي نیز مقرون به صرفه نخواهد بود. اگرچه رژیم به بهانه توليد برق از انرژی هسته ای، افکار شوم ديگري در سر می پروراند.

آشفتهگي حاد زيست محيطي و تناقضات سرکش دولتهای رژيم ولايي با قوانين طبيعت، از سرشت حقيقي تماميت نظام استبدادي- مذهبي نشأت می گيرد که با طبيعت بعنوان شنی رفتار می کند و ناگزير سرکردگی ویژه ای را جهت تحکيم و ثبات قدرت سياسي- اقتصادي، و نیز تأمين زياده خواهی های ضد بشري، برای چپاول هرچه بيشتر منافع زود گذر بر محيط اطراف اعمال می نمايد. از اينرو، طبيعت به جولانگاهی برای تاخت و تاراج هزاران دستار قدرت بدون توجه به تبعات ويران کننده اش برای حيات انسان و ديگر گونه های جاندار، بدل می گردد. ساختار سياسي حاکم با اعمال سياستهای استبدادي از يکسو و پيشبرد سياستهای نئولبراليسم اقتصادي از ديگر سو، جهت حفظ و ثبات نظم موجود در روند جهاني سازی سرمايه و انحصار منابع و ثروت طبيعي در دست مافياي قدرت، خودسرانه برای محيط زيست تصميم و تعيين تکليف می کند. طبيعت نیز به اشکال گوناگون، نظير زلزله، خشکسالی، آلودگی هوا، سيل و ... شرايط بحرانی خود را در برابر

انسان بروز می دهد و ضربات مهلکی بر حیات انسان وارد می سازد. بدین لحاظ، زندگی و معیشت طبقات و اقشار محروم جامعه و محیط زیست بی همتای میهنمان نیز تحت تاثیر تبعات مضر رویکرد ضد اکولوژیستی استبداد حاکم بطور هراس انگیزی، به خطر می افتد که امروز تنها بخش اندکی از آنرا تجربه می کنند! زیرا، تداوم حیات انسان که ماحصل پروسه طولانی و پیچیده تکامل زندگی گیاهی و حیوانی است که با حفاظت از طبیعت و گنجینه های آن در هم تنیده است. لاجرم، هر گونه آسیبی که متوجه محیط زیست و گونه های جاندار دیگر گردد، خسارتهای جبران ناپذیر و غیرقابل برگشتی بر هستی انسان وارد می آید.

هیابانگ احیای مجدد شورای عالی محیط زیست، پس از هفت سال توسط دولت یازدهم به ریاست روحانی، استخوان پوک و گزاف، است. شورای مذکور در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی نیز برگزار گردید و موضوع نوینی نیست. با این وجود، دولت روحانی بعد از گذشت بیش از یکسال هنوز در برپایی مستمر جلسات شورا، درجا زده و امیدی از نتایج سیاست اصلی دولت وی پیرامون محیط زیست در فقدان هرگونه تدبیر و دانش فنی مورد نیاز برای بهبود نبوده و ماحصل چیزی جز تداوم سیاستهای دولتهای پیشین جمهوری اسلامی، ولو با تأکیدات بی عمل بیشتر بر پرهیز از پیشبرد سیاستهای ضد زیست محیطی، نمی باشد. در حالیکه کنترل و تسلط بنیادهای سوداگر سپاه و نهادهای منفور وابسته به آن بر اراضی طبیعی و اجرای پروژه های خانناهی یکی از دلایل خشک شدن دریاچه ها، تالابها و از بین رفتن جنگلهای کشور است، روحانی در سفری به استان چهار محال و بختیاری پیرامون معضل آب در این استان به ویژه در بخشهای کشاورزی و صنعتی،

اعلام کرد که نگاه دولت در توسعه گردشگری، زمینه سازی برای حضور بخش خصوصی است و از حضور سرمایه گذاران داخلی و خارجی در این زمینه استقبال می شود. به گفته مسؤلان استان، دولت در تلاش است از توان مالی و اعتباری شرکتهای هلدینگ یا سرمایه گذاری نظیر شستا، بنیاد تعاون نیروهای مسلح، بنیاد مستضعفان و جانبازان، شرکت سرمایه گذاری غدیر و شرکتهای مشابه برای تکمیل طرحهای نیمه تمام عمرانی نظیر راه آهن، پروژه های گردشگری و راه سازی و سدسازی بهره گیرد. (انتخاب مورخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۳)

رہیافت عبور از بحران زیست محیطی یا تحدید آن در چارچوب دولتهای نظام ولایي، هرگز ممکن نبوده و نخواهد بود. زیرا، دولتهای مذبور، در نهایت هموارکننده یک وظیفه مشخص هستند؛ "حراست و حمایت از روابط نابرابر و ناعادلانه حاکم و تضمین کارکرد صحیح آن." از این روی، یورش همه جانبه اکولوژیستی در پارادایم رژیمي که حق مالکیت خداگونه بر انسان و زمین را از آن خود می داند، امری الزامی، دائمی و ضروری بشمار می آید. از اینرو، بحران زیست محیطی مذبور، پیش از هر چیز، بحرانی سیاسی است. تاکتیک اعمال زور و خشونت علیه فعالان محیط زیست در سال ۲۰۱۴، نیز، بیانگر هراس رژیمي پوسیده ای است که قصد دارد از سیاسی شدن اعتراضات زیست محیطی و پیوند آن با دیگر اعتراضات مردمی و در نهایت رشد و گسترش جنبشی توانمند توده ای جلوگیری نماید. لذا، بالندگی جنبش ضد دیکتاتوری منوط به سازماندهی و استفاده بهینه از تمامی بحرانها فراگرد ساختار سیاسی حاکم از جمله، بحران زیست محیطی، خواهد بود. تبیین راهکارها و شیوه های صحیح رویارویی با بحرانهای زیست محیطی، بهره وری از منابع انرژی

مطمئن، پاک و محیطی به‌مراه ایجاد محیط زیستی سالم و تقلیل تضاد بین انسان و طبیعت، در پیوندی تنگاتنگ با افشاء عملکردهای مخرب ضد اکولوژیستی مافیای قدرت و خلع ید از آنان، است.

آناهیتا اردوان

۲۳ دسامبر ۲۰۱۴

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری